

عرض و صد و پنجاه زویع عمق اوست و آب این بحیر است شیرین
و کوار است و کیفیت ظنور این دنیای جدید در نزد امانی
دنیای قدیم چنان بود که چون سوا الف ایام قطب نامه
بهریمپایه مشداول نمودند اجازات از کناره دریای وسط
نمی توانستند رفت فیما بین فرنگستان و هندوستان که
معلوم است اقلاد و هند را فرسخت و خشک در سانه حالت
اجازات فرنگستان از سوا حسل دریا با سکنه ریه مصر می آمدند
از امانی مصر که از بند رنویس و بحر الاسر با بندوشان
معامله داشتند متاع هندوستان را خریداری و داد و ستد
می کردند تا اینکه بواسطه اختراع قطب نامه در سینه شد
پناه و نه بگری شخصی از اهل و بیس ایتالیا از چین که اختراع
شده بود فرنگستان آورد و در سینه مقصد و در بحر

در فرنگستان فلورپو نامی مژگند اول نمود عسکرم بحر سپانی
و کشتبانه تری که در که بسبب قطب نما جازات در وسط بجا
سپار آمدند و در سینه هشتصد و نود و هفت کولوبس نامی
حکیم از اهل ایتالیا از شهر جنوا و ه باین خیال افتاد
که از بحر تنگ راهی بهند و ستان پیدا کنند که هم جاز دریا
از فرنگستان بهند و ستان آمده باشند و این خیال نزد
مجتبم گشت که قطعا راهی بدست خواهد آورد و هر یک از
دول فرنگستان اظهار امید و خواهش اخراجات کردند
از خریه و استخر اجواب نشیند تا آنکه بدولت اسپانیول
معروض داشت اسی ز بلا ملک اسپانیول بود قبول با تجار
نمود و اجاهد آلات مخصوصه خود را فروختند و فروند
چاره کوچک و کفیند و نه چهار بر رک با احتیاج رواج داد

حکیم فرزانه روانه کردید چند روزی بسواصل حرکت
کرداشد از جانب مغرب بوسط بحر شرع جازات اراشت
بدلت قلب نماز وانه شد چون هسرا مان در اطراف
دریای بی پایان و بالای سر خزان چسبی ندیدند
از جان ششید و بگیم چان بر آشد که تو را بدریا خواهیم بکنند
کو کوشس در نهایت شیرین زبانه دل داری میداد و هلا
غمیود که با حیات من اجمال سلامتی میروا که در میان نباشم شمارا که
نادی خواهد بود و اگر ساخه روی دیدن هم از شما خارج منیم خلاصه
چون سخن چکانه بود شنیدند و خاموشی کردند بعد از دو ماه و هفت روز
زمین بظرشان رسید بچال سکه اراضی مند و ستانست ز کشتی فرود آمدن
چون آثار و علامات که از هند و ستان شنیده بودند در آنجا ندیدند
گردیدند اما آنجا بجز راه بسیار رنگ ویران بظرشان آمد و بجز راه یک از خراب

هند اعزب بود و خلاصه از ماکول و مشروب آنچه داشتند متعارف
در میان گذاشته از نظرف بم نموده و تحت و زنگنه ان باشیان دادند
چندی در آنجا اقامت گزیدند و از آنجا سمت جنوب حرکت کردند
بجزیره بزرگ دیگر رسیدند اما آنجا جزیره را متواضع تر یافتند
و مردان دید و یا قوت ریزه بسیار با آنجا چهار ات متعارف نمودند
و در آنجا نیند چندی توقف نموده بعد جمعی از هم را از
توطن داده خود مراجعت با سپانیول کرد و طلای بسیار و مروارید
های بسیار با میوهجات آنجا که بیشتر سطرنگه گذرا سید بعد از
دو ماه مجدداً با همشاد کشتی بزرگ و بیزار و پانصد نفر لشکر
بان سمت دریا سپر آمد جمعی از اعیان اسپانیول بجهت
تأش رفاقت کردند بعد از ورود رسیدند نفرات شدند
در آن جزیره گذارده طریح قلعه ریخته از آنجا حرکت نموده

قدری بجز بود حسرتی معمور تر از آن پس مدامند که حال
 گویم بگویند بلا مانع متصرف گردید حسی را نیز در آنجا
 گذارده مراجعت نمود سفر ثالث باقی میه و مدارک زیاد
 روانه گشت چندین جزیره دیگر یافت ت و سواحل شمالی
 امریکای جنوبی را پس مدامند اما انجبار را بعضی نام
 دید که با سس انگیان از پر مرغ و پود ت حیوانات بود و معادن
 طلا و مروارید در آنجا و فورد است ت درین مهناسد ملین و نجات
 که از نیمه مطلق شدند هر یک از رسمی جازات و شکر و ستاد
 و نیجاسیه از آنجا را متصرف شدند پس از کولومبوس امریکوس نامی از بحرهای
 فرنگستان اطراف و جنوب این ت را سیاحت کرد و متحدین بود که هر یک
 بناسبت آن نامیدند غرض پس بدین
قسمت از دنیا نعمت بیر مرقبه در میان غیر رام واقع شد

قطعه شمالی که امریچا شمالی گویند

شمال بر چند مملکت است که از اوسعت این ملک طولش از شرق مغرب

نصف فرسخ و عرضش از شمال جنوب اقصی فرسخت سرحد مغربش

بتصرف دولت روس است و قصبه معروف متصرفی روسیه نیکارا

نیو ارکنجلس است و اطول لایه و ایامش مقیده ساعت و نیم است و بقیه

بتصرف انگریز است و پاتعلش کوسی یک است و پاشخت دیگر شش

بزرگ است و یک نفر حاکم و پست و دو نفر کارگذار از دولت انگریز و پناه

و دو نفر از اهالی این ملک بقاعده نخلستان با انجام امور مملکتی مشغولند

و جمعیت این ملک شصت و نه فصد هزار است از حیوانات غریبه این ملک

ببویور است که حیوان آبیست و از پوستش کلاه ترتیب میدهند

دیگر ممالک متحد است

که جمهوری شمالی گویند و سابق بتصرف دولت انگلیس بود مطابق

شماره که در سینه هزار و دویست و شصت و شش نموده اند چهل و شش
کرور و دویست و نود و هفت هزار جمعیت این مملکت است و مساحت این
مملکت طولش بنصد و هشتاد و تریج و عرضش چهار صد و سی و نخت
پست و چهار مملکت معروفست با قدری از مواضع متفرقه غیر مشهور که
اتحاد نموده اند در سینه هزار و صد و نود و چهری از اطاعت دولت
انگیز خارج شدند بعد از چهار بابت زیاد که دولت انگیز مرفوع
الطمع شد و دست کشید دولت علامه جمهوری کردید و نهمه
در سینه هزار و دویست و چهار با بنجامین در آن تاریخ همه جمعیت ممالک
پست و چهار گانه شصت و هشت کرور بوده است در این سوره است
باین جمعیت کثیره مطور و رسیده است چهل و هشت نفر از جهان
این ممالک پست و چهار گانه دویست نفر از وکلای رعایای این ممالک
و یک نفر رئیس الجمهور امورات مملکت و دولت قوی شوکت را بنجامین

میرسانند و کلاسی رعیت هزار و دو سال تب بدیل میانند امر او چهار
هزار شش سال تغییر میدهند رئیس جمهور چهار سال مگر تب عوض
میشود مگر آنکه رضای مجلسی چهار سال دیگر شش مجتهد برقرار دارند خلاصه
آنچه در سر و سیر و کرسیات سایر ^{لکن} ^{نعم} ^{میر} ^{میر} ^{میر} محصولات و رنگان
و هندوستان در این ممالک فیح الارکان تربت میاید سعادون
نقره و آهن و سرب و مس و طلا و زجاج و سنگ بورد و مرمر مختلف
الوان و ذغال سنگی و زرنج در این مملکت و افراد سنه هزار و
دویست و پست و سه هجری جوهر نیشی موزاد ریو جرسی که یکی از
ممالک پست و چهار گانه است اختراع کرده اند کاو و کاو و پیش و حشی
و کر به دشتی در این ملک فراوان در چند ولایت از این مملکت افاغی
سیاه قومی بیگل و بکنوع ماری که اکثر اوقات در خواب است
بهم میرسد در بعضی از آنکه در باطلا قها موشش مشک دار بهم میرسد

و کمنوع خرس سیاه در آن مملکت پیدا میشود که ضرر بسیار با مالی آن ملک
 میرساند پخت این مملکت و دولت جمهوری شهر و شینگن است
 که اطول بیالی و ایشس چهارده ساعت و چهل و پنج دقیقه است
 و قصبات معروفش مونت پیر ازینک تن سنت البس
 هتور کان کازو باس تن نیو بوری بورت پلی منش
 نازب تن دوستر نیو پیون نیو بارک بزرگ لین ریودی
 دنس نیو پوتون پریشول برتند اگشته بلودل ولس
 هرسن مولاک سنت لارس دلاور شکوی نه تاگا ذاک ررا
 یوزرک کنکس تن پانس تبادیه زن تن سلم برشس ویک
 فیدلیغیه هریشرک میفاراد شکستر ریپینگ بریکت
 لوین تون پیتربرگ داور انا پولیس بلیمور ریخ موند برت رانل
 نیومرکت وین چستر نیک برگ نارفوک لیدس لیف

عزمن تون المذابت جابج تون چارس تون کلوم په اشنس
هر فورده میگردویں یزولدیشتر بنوامی بیه نیت خیر حکون
البمه تسکونته کما به الکسندریه جابج تون کس کیه پمیر
وندلیه ادواردیس اندیه پولیس کاریدن دین سنس تخون
لوی سینه فرنگفورت دین ریت ولیم نشویل مرفریس
کلومبس دمی تن ترامی کلی پولیس جلی کانس ورن
مزمی ته اشنس کنگستر دراین مملکت سنگی تازه بدست آورده
که از اجار قیستی است و از اچسپرنیا مند و دراین ممالک خدین
رودخانهای بزرگ معروفست از آنجکه رودخانه میوریت که طول
رودخانهای عالم داشته اند طولش هزار و دوست و سه فرسخت
عرض و عمق آن رودخانه چنانست که از دریا تا منصف دفرنج برویش
کشتی حرکت میکند و پکر رودخانه همی همی بی میامند که طولش

هزار فرسخ و عرضش شصت پانصد ذراع است بعد از آنکه بار و دخانه

میوری متحد میشوند در تابستان سی و شش ذراع عمق دارند و عرض او

شصت هزار و پانصد ذراع است دیگر رودخانه از کن ساه است دیگر

رودخانه هپو است که طول مجرایش قبل از اتصال او بر رودخانه دیگر

شصت چهار صد فرسخ است دیگر رودخانه لائینس است که طولش

شصت شصت و هفتاد فرسخ است در ایالت جمهوری این مملکت تاسنه هزار و

دویست و هفتاد و سه چری فرنگ کین پریسن نام بوده است

دیگر از امریکای شمالی مملکت کنیکوت

این مملکت شصت و هفتاد و سه است و پانزده شهر میسکوت

که اطول لیال و ایامش سیزده ساعت و ده دقیقه است و جمعیت

این شهر یکصد و هفتاد هزار نفر است و شهر بای مشهورش

یکی پوبلا است که جمعیتش هشتاد هزار است دیگر شهر کوی رتزو

سن لوئیس پوتوسی ز کانکس کاؤنگرہ مان تری سینہ لو
کانگ سوٹو لدولید اوکسہ کا اریزہ و تیارید مریدہ بندر
ورء گرز بندر اچا پو لکو قرار حکم از این مملکت مہوری . مانند دولت
متحدہ است و سمت این مملکت کمتر از ممالک متحدہ نپاشد ولی
بقدر وسعت آبادی ندارد و این مملکت سابق بتصرف دولت اسپانیول
بود و در سنہ ہزار و دوویت و سی و شش بنامی خود سری و مخالفت
کدار وہ بعد از انقضائ مدت دہ سال آزادی و مطلق العنان مقرر
گردیدند مستعاع کلی این ولایت طلا و نقرہ و سنکھامی قیمتی و
شجر ف و نیل و پنیر و ابریشم و چوبھای مختلف الوانست چند سائے
کہ معدن طلا در حبتہ اند کہ از خاک کندہ میشود و با ساند بدست
میآید در سنہ ہزار و دوویت و پنجاہ و شش ہجری ولایات تکمیل
از این دولت خارج و با عانت انجلیس خود مہوریہ علا ہدہ شدہ

دیگر از امر کجاء شمال ملک کاتیملاست

جمعیت این ملک زیاده از چهار کروهرست میوه جات سردسیری و گرمسیری
انواع واقسام دریا صین در این ولایت یافت میشود متاع کلی اینجا حاصل
و نیل و شجر فست و اکثر قسمت این ولایت کوهستان و معاون
خوب دارد و پاتختش شهر کاتیملاست که پنجاه هزار جمعیت دارد
اطول بیابانهایش دوازده ساعت و پنجاه دقیقه است و قصبات
مشهورش سنت سلوادور چی کویولا لیون کرتوگو سیوف
وزیر حکمران این ملک جمهوری و قانون جمهوری مکسیکو رفتار
مینمایند در این ملک زلزله شدید بسیار میشود و جبال آتش فشان
بسیار که اکثر اوقات در اشتعال و التهاب است و خراب و صدمه
زیاد باین ولایت میرساند از آن جمله در سنه هزار و یکصد هشتاد و نه
هجری دو کوه آتش فشان که در حواله شهر قدیم کاتیملا بود بکوشش

بجوشش و خروش درآمده از یکی سیلاب آب و از یکی لوء جاری شد
سابقاً گاشته آمد که لوء جسمی سیال است شیبه بغزی که داخله خلاصه
و این پسنگامه زلزله تیر متصلاً میآید که از شدتش سگانها و زمین
پیداشد در آخر زور بجم این مقدمه شهر نالبر و منهدم بلکه منهدم گردید
هزار نفر از انانث و ذکور ان شهر با جمع ما یعرف بزمین فرود شد و ایندو
سیلاب بالای خرابهای شهر را گرفت که اثری از او باقی نماند پس از

خراب شهر قدیم این شهر جدید آباد آمد

هند القرب جزایر صغار و کبار چند است که در شعبه دریانیکه فمابین امریکان
جنوب و شمال میباشد و هشد و چنانکه در تفصیل پیداشدن نیکا و دنیا گاشته
شد که لو منبس اول با بجزایر وارد گردید مجموع این جزایر شتمل بر
ساحتی و صفی است که زیاده از مقصد فرسخ است تمامی این جزایر
بتصرف دول فرانکستان است که تفصیل هر یک در ضمن متصرفی

اندولت ذکر شد مگر جزیره هیتتی که سنت و این گوئند که گویند که حال
تصرف ایالات خود این جزیره است که تخصیصش ذکر خواهد شد طول این جزیره
شصت یکصد و سی و سه فرسخ و عرضش پنجاه فرسخ است هوای این جزیره
بسیار گرم و باغبانان سازگار و با ایالات آنجا سازگار است محصولات آنجا
قموه و نیل و شکر و نارچیل و پنبه است و حرما و بلوط و آنوس نیز
فراوان است و پاشخس قصبه پرت ریایی است که جمعیتش شصت و پنج هزار
هزار و طول ایالاتش سیصد و شصت و چهارده دقیقه است و
معاون طلا و نقره و چوب و سرب و آهن و بعضی از سنگهای قیمتی
در آنجا میباشد و جمعیتش دو کور است و عموم ایالاتی جزیره سیما
زکمت میباشد الا معدودیکه سفید میباشد و آنها را نخب و مثل
سیمان در این بلاد می شمارند سابق نصف این جزیره بتصرف دولت
فرانس و نصفی متصرفی دولت اسپانیا بود ایالاتی این جزیره هر دو

طایفه اسپرون کرده یک نفر از سیاهان که سلوک نام دارد الحال کلبر

انجزیره مشغول است که الان آنرا امپراطور ایتالیایی میگویند و در چند سال

قبل کالسکه در نهایت متیاز که بهتر از آن کسیر نبود از لندن ساخته

و جهت سوارش آورده اند و با غراب و مترودین در نهایت محکم بافی

و سلوک رفتار نمایند در سس عالی بنا نموده و معلمین از هر علم از هر کشوری

آورده و در صد و تریست امالی انجزیره میباشند و کمال سعی و جهد

در این باب مبذول میدارند و در فرانکستان نیز در انجزیره و نسل

گاه و اشتراکات و قصبات معروف است و اینست که یونان

دن دن و بندر سنت نیکولس است اما امریکاء

جنوبی

شاهت کلی با فرقی دارد و طولش شصت و یک هزار و پانصد فرسخ عرض

یک هزار و یکصد فرسخ است و در منتهای جنوبی آن ولایت تهنه است

سرما توطن در کمال صعوبت است و سطا این مملکت پایان غیر معروف است
 و جبال معروف و مشهورش جبال اندلس گویند که بطول این مملکت ثقی
 افتاده است که بعد از جبال جبال هند و ستان بلندترین کوههای
 عالم است و رودخانهای معروفش بی افزونست که بکنار او
 چهل و پنج فرسخ طول است از منبع تا اتصال بریا قریب بیصد رود
 خانه که اغلب آنها از جمله بغداد بزرگ تر است داخل آن میشود از دریا
 تا پانصد فرسخ چاه و چهار ذرع عمق است درین ایسر و در خانه که دریا
 دریا میشود چاه و سه فرسخ عرض دارد و در وقت طغیان سیلاب
 از هر طرف قریب بی فرسخ آب میکشد و در گناره این رودخانه عبور
 و مرور مستنع است جنگلهای وحش است که مکان بیرو شیر و خرگ
 و خوک و انواع مارهای قوی و سیکن و کجای عظیم میباشد و انواع
 طیور خوش رنگ خوش کمان در این مکان موجود و فراوانست در روزها

دیگر است که از ری پودل پتیه گویند و ثانی اشین اسزودخانه است

مالک امریکا جنوبی

مملکت کولومبیه است طول این ملک شصت و چهار صد و سی فرسنگ و عرض

سیصد و سی فرسنگ و جمعیتش هفت کروارست و پانصد و شصت و شصت و شصت

که اطول ایالات و ایالتش دوازده ساعت و سیزده دقیقه است و قصبه

معروفش در ری نیس کرکس طنجه کرشجه کومینه کومی توو کا

کومیل پوپین مزکی بوع است و حکمران این مملکت جمهوری است تاسه

هزار و دویست و سی پنج بتصرف دولت اسپانیول بودی باغی شدند

به آزادی و جمهوری مقرر کردید مت شالز بسیار کرم و طرف خویش

بتر است خاکش حاصل خیز و صحرائش کشتراوقات بنسفرخ انگریز است

و در این ملک جبال آتش فشان بسیار است معروف آنها جیم بازر و

و چین کا و کوتوگنی است که هزار چند سال بطغیان و جنس می آیند

چندین فریب و ولایت که در حوالی آنها میباشند خراب و ویران می
گرد و از آنجمله در سینه هزار و صد و پنجاه و هشت هجری در جبل کو تو کندی
سکافی ظاهر شد و آن فکر که اشته سیال که بوی میامند بجز این آمد که صد
شکافش کوه به دو لیت فرسخی رسید و شعله آتش از قلعه کوه بقدر ششصد
ذرع مرتفع گردید شهر مشهور بکونکه و چندین قسره در حوالی خراب
و ویران شد و قریب به هفتت از سکنه آنها ببلایکت رسید و
جمعیت شهر پانچشت شصت هزار بشماره در آورده اند

دیگر مملکت پرورد است

جمعیت این ملک شصت و چهار کور است و پانچشت شهر قریب است که طول
ایام ویالیش دوازده ساعت و چهل و دو دقیقه است و جمعیت این
شهر زیاده از هشتاد هزار است و قببات معروفش گزکوه نامند
از آنجمله از کوی به است و متاع کلی این ولایت طلا و نقره و

و شراب و برندی و شکر و کزکینه است این کشور تا سینه هزار و دویست

و چهل و دو به تصرف دولت اسپانیا بود و از آن پس باغی شده به

جمهوریه برقرار گردید

دیگر ملک بالیویه است که آنهم جمهوری میباشد و جمعیت این ملک

ششصد و دو هزار است و این ملک شراب مرغوب و میوه های خوب دارد

و قصبات معروفش پوگولسی چوکوسی سگا و سیناگز که زیست

که هر یک پانزده هزار است هزار جمعیت دارد و بناه در این ولایت

که آزامتی گویند شنبه بجای میباشد و اما آنجا با بعضی جای صرف نمایند

دیگر ولایت حبیلی است

که ساحل دریای بنفیک است ششصد و بیست و پنج طول و سی

سه فرسنگ عرض دارد چندان زراعت در آنجا نمیشود و هوایش در کمال

اعتدال و اشخاصش در نهایت طراوت است چنانکه زیاد در آنجا

شهر نشینه گوئی است که اطول ایام و بیاییش چهارده ساعت و ده
دقیقه است و قصبات معروفش کان پت شن و لدی و به است
و جمعیت پاشخت چهل هزار است و همه جمعیت این کشور شجنا سه گروه است
ایمک بصد و پست رودخانه آب باری میشود چهارده کوه آتش نشان
در این سامانست و این کشور را صنیش قابل و اشجارش پرثمر است معانی
کوناگون در ایمک فراوانست و چهار صفت مهم شده که در هر یک حاکمی
از خود دارند مردمش بسیار رشید و جزارند و معاملات با پول مطلق
نیشود مگر اجناس معارضه نماید هیچ مذمب و آینی ندارند مگر با فریدگان
قائمند که از اسپریت یعنی روح مینامند همان نواز و عرب و است
میباشند و لباس ایشان بسیار شک میباشد غالباً بوزمه دارند که آنرا
پچو مینامند سوراخی دارد که سر را از آن خارج مینمایند و باقی اعضا را
فرو میگردد و بسیار پاک و با تمیزند

دیگر ملک پخته است

که آنهم حکم رانیشس جمهوریت و سابق در تصرف سپانیول بود طوش
شخینا پانصدوی فرسخ و عرضش سیصدوی فرسخت و جمعیش پانصد
کم است که تقریباً چهار کرد میشود و پانخشش شهر بونوس ایرس است که
شخینا صد هکتار جمعیت دارد و طول لالی و ایامش چهار ده است
پست دقیقه است سیب بومیان وحشی آنجا زود کتر میشود بیابان وسی
در این ملک است که سیصد فرسخ طول دارد و طرف انکشور هوایش خوب
و در اینش حاصل خیز و مرغوب در آن بیابان کا و وحشی و آب شتی
کله کله دیده اند و کا و در این مملکت کثیر لعل پیدا است که بسنیات و
کوششش خوراک و از شاخ کا و فغان و عاشق درست نمایند و از
چربا انصابون ترتیب میدهند سواری و عراده کشی نیز با کا و بیابان
حصات معروفه اس طولومن سلسله کته مرکه دی آجه کار و زمین

موت کید یو کند لریه سملویس سبحان سنتی کارین است
و در ایملکت قاطر خوب بعمل میاید و در خانه برش برانگاری است
که طوش ششصد و شانزده فرسخت و در پایان میان این ملک
مرغ بزرگی میباشد که آراکاند و گویند که سرش ششصد و یک است
این مال تا آن پاش در وقت پرواز کردن پنج ذرع است و تیش
چنانست که گو ساله و طفل پنج شش ساله را بسهولت میاید
و بگر ملک پرء گای است جمعت اینجا تخمینا یک کر در است مرد
بسیار آرام و سلیم لطفش عیاشند و قصه معروفش این است
که اطول نیالی و ایامش چهارده ساعت و بیست و سه دقیقه است
این ملک بسیار خوش هواست و با صناعت حاصلش نمیه و شکر
و بناکو و غله و سایر محصولات و نباتات کثرت در آنجا بعمل میاید
و منی که درخت ششصد بجای باشد فراوان است و صرف میشود

طول این ولایت تخمیناً یکصد و پنجاه و هفت فرسخ عرضش شصت و هفتاد

فرسخ است

دیگر مملکت برزیل است که طولش تخمیناً هفتصد و هفتاد فرسخ است

و عرضش هفتصد مملکت حاصل خیز شیراز است معادن جواهرات

کراهنها و طلا و نقره در وسط این مملکت فراوانست و سزای این مملکت بر یک

زار است که تخمیناً صد فرسخ متجاوز طول اوست و رودخانه امزون که

ذکر شد در این ملک است پوشش بسیار گرم و تابناکش بسیار خست

باران کمتر میآید و محصولات گرمسیری و سردسیری بخوبی بعمل

میآید و معادن انگشور از بسیار معادن بهتر از طلا و نقره و الماس

وز مرو و سنگ بوز و دیگر فلزات و افزون وجود در ساحل رودخانه

طلا بدست میآید و پاشخس شهر ری اجنبی روه است که ا طول سیال و آبش

سیزده ساعت و پست و چهار دقیقه است و جمعیتش تقریباً دویست

هزار است و شهر سنت سلو دور است که جمعیتش شصت و هفت هزار است
 و قصبات مشهورش رتیم بوگو و برسلو شش سن بوگوس پریدیه
 قتل اردلی سزلی جیب و پله با ویدریکه و می تارینه سن بالود است
 و جمعیت همین مملکت از قزاقیکه در سنه هزار و دویست و شصت و
 شش مشخص نموده اند که در و یکصد و سی هزار و چهار صد و هجده نفر
 میشود این مملکت در سنه نصد و پنج بدست تباری بازمیرال الوزر کیرل
 بتصرف دولت پورتگال آمد حاکمی آن مملکت معین گردید در سنه هزار و
 نود و پنج معادن الماس و طلا پیدا کردند در سنه هزار و دویست و شصت
 دو هجری که لشکر امپراطور اعظم ناپلیون مملکت پورتگال را بخیله
 تصرف در آورد خانه واده سلطنت و اعظم نجادارگان دولت
 از پورتگال غنیمت این مملکت نمودند در آنجا اسوده بودند تا آنکه
 امورات ناپلیون مختل و سلطنتش منحل گشت پادشاه و همان پورتگال